

کارکردگرایی و شهر

دکتر حسین حاتمی نژاد

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

سیدعباس رجایی

کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

چکیده

مفهوم و تاریخچه کارکردگرایی به بررسی ارتباط با علم جغرافیا پرداخت تا به واسطه آشنایی با این مفاهیم، تأثیر گذاری این نظریه در نظام شهری و از همه مهم تر در طرح های شهری مورد بررسی و موشکافی قرار گیرد.

روش تحقیق

روش اصلی پژوهش در چارچوب روش های تحلیلی است که جمع آوری با استفاده از مطالعات و روش های کتابخانه ای و اسنادی انجام گرفته است. مراحل اساسی مطالعه شامل:

- ۱- جمع آوری اطلاعات و منابع
- ۲- مطالعه و استخراج نکات کلیدی
- ۳- فیش برداری و طبقه بندی اطلاعات جمع آوری شده
- ۴- تدوین مقدمات مطالب
- ۵- تجزیه و تحلیل اطلاعات
- ۶- نتیجه گیری و تدوین نهایی یافته ها.

الف- تاریخچه کارکردگرایی

کارکردگرایی که ریشه در مکتب ارگانیسم قرن نوزدهم دارد، دارای سابقه ای کهن در میان تفکرات اجتماعی است. (Gould, 1964:277) افلاطون از نخستین متفکرانی است که نظریه منظمی در باب تحلیل ارگانی جامعه و دولت عرضه داشته (اشرف، ۱۳۵۳:۲۴) و به تحلیل فونکسیون (کارکردی) تقسیم کار اجتماعی پرداخته است. فارابی نیز در توجیه کارکردی پدیده های اجتماعی اشاراتی دارد (آراسته خو، ۱۳۸۱:۷۳۵).

یکی از قدیمی ترین جهانی بینی ها تشبیه جهان بزرگ (مهین) به جهان کوچک یعنی انسان (کهن) بوده است. (نصر، به نقل از پورا احمد، ۱۳۷۶:۵) هارولد هافدینگ معتقد است که در مفاهیم نیز می توان نمای از طبیعت را به خوبی دید و این اعتقاد را دارد که طبیعت و جامعه و تاریخ و هر نظامی حیات خود را در اثر نتیجه و پراکنندگی از دست خواهد داد و همچنین روابط ارگان های اندام زنده، از مبانی این شیوه تفکر به شمار می آید. (Hoffling, 1993:348)

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در ایالات متحده آمریکا در برابر مباحث جنگ طبقات اجتماعی (ذهنی و عینی) مارکسیسم، مباحث بینش کارکردگرایی (فونکسیونالیستی) قوت گرفت و نابرابری های طبقاتی برای

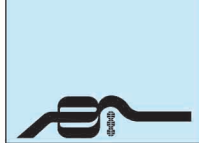
علم جغرافیا به عنوان یک دانش میان رشته ای در طی دوران تحول و تکامل خود از علوم اجتماعی و فلسفی بهره فراوان برده است. یکی از نظرات تأثیرگذار در جغرافیا و مخصوصاً برنامه ریزی شهری به عنوان یکی از زیر شاخه های این علم، کارکردگرایی را می توان نام برد. کارکردگرایی را اگر فعالیتی ضروری جهت حیات اجتماعی بدانیم در این بررسی به موارد کلیدی این نظریه که کمک به حیات و دوام شهر نموده، پرداخته ایم؛ که پس از مطالعه و بررسی تاریخچه و مفاهیم این نظریه و ارتباط آن با علم جغرافیا بر اساس شواهد و اسناد کتابخانه ای، به بررسی جایگاه این نظریه در نظام شهری و برنامه ریزی شهری پرداخته شده است آنچه به عنوان نتیجه می توان بیان داشت به این شرح است: اعتبار این نظریه در علم جغرافیا از سال های ۱۹۲۰-۱۹۶۰ به عنوان دوره اوج و شکوفایی کاربرد آن پس از شکل گیری منشور آن و رواج برنامه ریزی جامع می باشد. از دهه ۱۹۶۰ به بعد به عنوان دوره افول و ناکارآمدی نظریه به علت رواج رویکردهای سیستمی و رواج الگوهای ساختاری راهبردی است. **واژگان کلیدی:** نظریه، علوم اجتماعی، کارکرد، نظریه کارکردگرایی، شهر، کارکرد شهری، برنامه ریزی شهری.

مقدمه

علم جغرافیا در سیر و تحول خود از علوم متفاوتی تأثیر پذیرفته که در این میان نظریه های اجتماعی تأثیر بسزایی در آن داشته اند. نظریه هایی چون اکولوژی، ساخت گرایی، کارکردگرایی و... از جمله نظریه هایی هستند که بر این علم تأثیر شگرف داشته اند. در این میان کارکردگرایی در تنوری، روش کار، مباحثات فلسفی و تجربی علم جغرافیا بیش از همه دخالت داشته و بنا به آنچه از سوابق این نظریه برمی آید کارکردگرایی از نظریه تمامی بنیانگذاران تفکر اجتماعی بهره گرفته است و تعاریف گوناگونی در هر یک از علوم از این نظریه و مفهوم آن ارائه شده است که این مفاهیم به طور خلاصه بیانگر یک معنی و آن هم به معنای اثر و نتیجه ای است که هر پدیده در مجموعه پدیده های مرتبط باقی می گذارد.

این نظریه بعد از شکل گیری منشور آن به طور بنیادی در علم جغرافیا رسوخ کرد و به کارگیری آن در برنامه ریزی شهری به عنوان نظریه ای پایه ای در طرح جامع، مباحث علمی جغرافی دانان را بیش از پیش به سمت خود کشیده است.

بدین ترتیب لازم است تا در یک بررسی، ضمن آشنایی مختصر با



کارکرد به معنی فایده عبارت از فایده هر چیزی است در کل نظام خواه نظام اجتماعی باشد یا فرهنگی یا طبیعی. لذا مفهوم این اصطلاح گسترش می‌یابد و شامل عمل، نقش و وظیفه‌ای که آدمی در اجتماع دارد، می‌گردد به همین معنی هماهنگی وظایف اعضای جامعه که اصطلاحاً کارکرد جامعه نامیده می‌شود (طیبی، ۱۳۵۸: ۸۸۸).

یا کارکرد عبارت از حاصل یا نتیجه نوعی وجود یا عمل (حرکت) اشخاص یا اشیا و از جمله پدیده‌های لمس ناپذیری چون الگوهای فرهنگی، ساختارهای گروهی و نگرش‌هاست. (گولد، ۱۳۷۶: ۶۷۸)

کارکرد مفهومی تبیینی است، ابزاری که از طریق آن جز بر کل مرتبط می‌شود (توسلی، ۱۳۸۱: ۳۷) و به بهترین وجه می‌توان رویدادهای اجتماعی را برحسب کارکردهایی که انجام می‌دهند یعنی کمکی که به دوام و بقای جامعه می‌کنند تبیین کرد. (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۴۸۳) تالکوت پارسونز کارکرد را عبارت از فعالیت‌هایی می‌داند که باید انجام بگیرند تا حیات اجتماعی را ممکن سازند. (Parsons, 1973: 384)

ژرژگوییچ جامعه شناس فرانسوی از کارکرد چهار معنای متمایز تشخیص داده است:

- ۱- به معنای وظیفه‌ای که هر طبقه باید در داخل جامعه کل انجام دهد.
- ۲- به معنای رابطه طبقه‌ای با طبقه دیگر.
- ۳- در معنای اقتصادی یعنی یک گروه در حیات اقتصادی که از یک طرف شامل نقش در تولید، توزیع و مصرف است و از طرف دیگر شامل قدرت اقتصادی، فایده، درآمد، ثروت، حرفه و...
- ۴- در معنای کردانی گروه، که گروه موظف به انجام آن است. براساس این معناست که تعریف هر گروه وابسته به انجام فونکسیون خاص است. (مندراس، ۱۳۵۲: ۸۵)

اصطلاح کارکرد در کلی‌ترین مفهومی که در علم اجتماعی از آن استفاده می‌شود ظاهراً به نوعی نتیجه اشاره می‌کند (گولد، ۱۳۷۶: ۶۷۹). و دورکیم کارکرد یک نهاد اجتماعی را مطابقت آنها با نیازهای ارگانیک اجتماعی تعریف کرد. (باتومور، ۱۳۵۱: ۵۲)

نظریه کارکردگرایی

کارکردگرایی در جستجوی قوانینی است که بتواند روابطی را که میان رفتار جمعی با فلان شرایط خاص وجود دارد آشکار سازد. مکتب کارکرد گرایی به هدف و منظور این پدیده‌ها توجه دارد و در صدد پاسخ دادن به علت وجودی و نقش پدیده‌هاست. (پورا احمد، ۱۳۷۶: ۷)

در این دیدگاه هر نظام اجتماعی در حکم پیکر واحدی است که در جهت معینی کار می‌کند و در نهایت واجد هدف با غایت خاص و ناآشکاری است. (محسنی، ۱۳۶۸: ۲۳۷) طرفداران این نظریه معتقدند که دوام هر جامعه در گرو تعادل و یکپارچگی است تا انسجام لازم بدست آید. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۳: ۱۵۳)

فونکسیونالیست‌ها جامعه را به مثابه نظامی یکپارچه و وحدت یافته می‌دانند که باعث هماهنگی و ثبات در جامعه می‌شود. بنابراین برای مطالعه

دوام و بقای نظم و نظام اجتماعی ضروری به شمار آمد و نسبت به امور پدیده‌های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) از لحاظ اتفاق و توافق برونی و درونی نگریده شد (آراسته‌خو، ۱۳۸۱: ۷۳۵).

جامعه‌شناسان این قرن به شدت تحت تأثیر نحوه وابستگی‌های متداول عناصر گوناگون جامعه قرار داشتند و این وابستگی‌ها را از نقطه نظر تئوری تکاملی به تشابهات اندام واره توضیح می‌دادند. مفهوم کارکرد اجتماعی در قرن نوزدهم به صریح‌ترین وجه توسط هربرت اسپنسر تنظیم شده بود و توسط او کارکرد از زیست‌شناسی به علوم اجتماعی راه یافته است (گولد، ۱۳۷۶: ۶۷۹). این مفهوم که بر بنیای قیاسی دیرین بین جامعه و ارگانیسم اتکا داشت بعد از رشد زیست‌شناسی جدید امکان یافت در نقاب علمی‌تر عرضه شود. رادکلیف براون تأکید می‌کند اولین بار دورکیم بود که در کتاب‌هایش شکل دقیق و تنظیم شده کارکرد اجتماعی را ارائه داد (باتومور، ۱۳۵۱: ۵۲). در خلال بخش اول قرن بیستم مکتب کارکردگرا نه تنها ویژگی زیست‌شناسانه بلکه همچنین از ویژگی کار بسیاری از مردم شناسان اجتماعی خصوصاً برانیسلاو کاسپار مالینوسکی و جامعه‌شناسان دیگر تأثیر پذیرفته بود. (جنسن، ۱۳۷۶: ۱۵۷)

ب- بنیان‌گذاران کارکردگرایی در دوره جدید

معمولاً از امیل دورکیم به عنوان بنیان‌گذار کارکردگرایی عصر جدید نام می‌برند اما می‌توانیم داروین، مالتوس و اسپنسر، را نیز از مؤسسان کارکردگرایی به عنوان شیوه‌ای از تفکر و شیوه اجتماعی به شمار آوریم (توسلی، ۱۳۶۲: ۲۱۳). از دیگر بنیانگذاران جدید ای، کی، دیویس^(۱)، اوکی مور^(۲)، روبرت مرتن^(۳)، مارین جی لوی^(۴)، تالکوت پارسونز^(۵) و ویلیام وایت^(۶) را می‌توان نام برد.

مفهوم کارکرد

کارکردگرایی که معادل واژه فونکسیون^(۷) است در زبان فرانسه و از ریشه لاتین (Function) به معنی اجرای یک وظیفه آمده است. در زبان فارسی برای واژه متداول زبان‌های اروپایی و آمریکایی یعنی فونکسیون یا فانکشن معناهای کار، کارکرد، عمل و وظیفه^(۸) را به کار^(۹) می‌برند که در همه آن‌ها مفهوم فایده‌بری و اثرگذاری مستتر است. (آراسته‌خو، ۱۳۸۱: ۷۳۴)

در علوم اجتماعی کلمه‌های استفاده^(۱۰)، منظور^(۱۱)، انگیزه^(۱۲)، قصد، نیت^(۱۳)، هدف و غایت^(۱۴)، احتیاج^(۱۵)، نتایج و آثار^(۱۶)، معادل فونکسیون به کار رفته‌اند. (پورا احمد، ۱۳۷۶: ۳) در ریاضیات و آمار فونکسیون به معنای تابع (جبری) به کار می‌رود مثلاً در آمار می‌گویند درصد زاد و ولد تابعی از سطح دانایی و شناخت و مسئولیت توسط افراد است. (آراسته‌خو، ۱۳۸۱: ۷۳۴)

اگر بخواهیم این مفاهیم را خلاصه کنیم به طور کلی می‌توانیم معانی زیر را تمیز دهیم:

کارکرد به معنای فعالیت‌هایی که نیازهای نظام‌های اجتماعی دوام و بقای آن را به وجود آورده است. (اشرف، ۱۳۵۵: ۲۴) که در جامعه به نیازی پاسخ می‌دهد و هدفی را تحقق می‌بخشد. (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۱۷)

از ارتباط متقابل برخوردارند. (همان منبع: ۵۴ و ۵۳)

تبیین کارکردی

تحقیقاتی که در جغرافیا انجام می‌شود مبتنی بر سه نوع تحلیل است: تحلیل تکوینی، تحلیل ساختاری و بررسی و تحلیل کارکردی، که تحلیل کارکردی در جغرافیا یک عادت باستانی است. مبادی آن در جهان‌شناسی یونانی یافت می‌شود که اخیراً نیز احیا گردیده است. کارکردگرایی همراه با قاعده‌مندی نظریه سیستم‌ها مطرح گردیده است. (بهفروز، ۱۳۷۸: ۵۸) جغرافیدانان از گذشته تا به امروز در مطالعات علمی خویش در زمینه‌هایی چون روش کار، مباحث فلسفی و تجربی از اصول و مفاهیم کارکردگرایی بهره جسته‌اند. (شکویی، ۱۳۷۷: ۱۹۸)

بررسی نقش (کارکرد) پدیده‌های انسانی و نیز جوامع از جهات مختلف و جنبه‌های متفاوتی انجام شده است.

در سیر تحول این مفهوم به تقسیم‌بندی‌هایی چون کارکرد درونی و بیرونی کارکردهای آشکار و پنهان، کارکرد فرد گرایانه و اجتماعی، کارکرد مناسب و نامناسب (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۱۵) کارکرد بالقوه و بالفعل (دولفوس، ۲۰۰: ۸۲-۸۳) برخورد می‌نماییم که این نشانگر تعمقی در مفاهیم و اصول این نگرش (کارکردی) می‌باشد. برحسب مسایل جغرافیایی و ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی، مجموعه تقسیمات کارکردی فوق قابلیت تقسیم مکانی نیز دارند که عموماً تحت عنوان کارکردهای شهری و روستایی تفکیک می‌شوند. بنابراین همه کارکردهای فوق مستلزم نیازهای مکانی فضایی هستند که جغرافیا در قالب ناحیه‌ای به توصیف آن‌ها می‌پردازد. علم جغرافیا اگر چه مدعی فلسفه کارکردگرایی مشابه شیوه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی نیست با این حال اکثر کارکردهای تجربی در این علم را به لحاظ شکل و قالب می‌بایست کارکردگرایانه دانست.

مروری بر افکار و عقاید جغرافیدانان در دو قرن اخیر بر پذیرش کارکرد به عنوان یک مکتب فکری از سوی اندیشمندان این علم صحه می‌گذارد. (مشیری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

کارکردگرایی و جغرافیا

از میان همه مکتب‌های فلسفی و اجتماعی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در مطالعات جغرافیایی تأثیر داشته است، شاید مکتب کارکردی در ردیف محدود تفکرات فلسفی است که در تئوری، روش کار، مباحثات فلسفی و تجربی علم جغرافیا و علوم سیاسی، مردم‌شناسی و علوم اجتماعی بیش از همه دخالت داشته است. (شکویی، ۱۳۷۷: ۱۹۸)

کارکردگرایی به شکل‌های گوناگون به طور مستقیم و غیرمستقیم به صورت زیر وارد علم جغرافیا شده است:

۱- **کارکردگرایی غیرمستقیم:** تقریباً به صورت مفاهیم کارکردها مثلاً تعیین نقش مشاغل در رابطه با توسعه شهری، وابستگی میان یک متغیر وابسته و یک یا چند متغیر مستقل، کارکرد یا نقش شهرها در داخل ناحیه و مناسبات بین ناحیه‌ای، عمل کرده است.

۲- **جانشین کارکردی:** نفوذ سریع تکنولوژی خارجی در داخل کشورهایی

جامعه باید اجزاء و قسمت‌های مختلف آن را در ارتباط با کارکردی که هویت در بقاء نظام دارند بررسی کرد. (پوراحمد، ۱۳۷۶: ۷)

برطبق این دیدگاه این نظر که تحلیل و درک علمی بایستی تئولوژیکی باشد یعنی بایستی پدیده‌های منفرد را در رابطه با منظوری که بر عهده می‌گیرند تحلیل و تشریح کند امری پایه‌ای است. (جنسن، ۱۳۷۶: ۱۵۶)

برطبق بیان هر مکتوبیتس «نظریه کارکردی کوشش دارد که رابطه متقابل میان عناصر گوناگون کوچک و بزرگ را در یک فرهنگ بررسی کند. هدف آن در اصل دست یافتن به بیانی است درباره وحدت‌های موجود در فرهنگ از طریق نشان دادن این که چگونه صفت و مجموعه و الگو، هر قدر هم که جدا از یکدیگر باشند دست به دست هم می‌دهند و مثل دنده‌های یک ماشین، کلی را به وجود می‌آورند که حرکتی هموار دارند. و نقشی کارآمد را به انجام می‌رساند. (گولد، ۱۳۷۶: ۶۸۷)

در آخر مفهوم کارکردگرایی را می‌توان با این تعریف خلاصه و جمع‌بندی کنیم:

مکتبی که به موجب آن، جامعه همچون مجموعه‌ای است که از نهادهای وابسته به هم، که هر یک در ثبات کلی جامعه نقشی دارند. یعنی سازمان اجتماعی در ذات خود دارای نظم و انسجام و وحدت است.

در این سازمان که به مثابه یک ارگانسیم زنده عمل می‌کند، اندام‌ها و قسمت‌های مختلف، دارای نقش‌های حیاتی و تکمیل‌کننده هستند و وجود آن‌ها به علت دوامی که می‌آورند، ضروری است. در چنین نظام همبسته و یگانه‌ای که در ذات خود به نظم گرایش دارد، تضاد طبقاتی، شورش و انقلاب متصور نیست و اگر هم تغییری در جامعه رخ دهد، صرفاً به خاطر ایجاد سازگاری با کل نظام است. کارکردگرایی به جای توجه به دگرگونی و تغییر اجتماعی به تعادل اجتماعی توجه دارد. (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۱۳۲)

برونسیلامالینوفسکی در نظریه کارکردی روی موارد زیر تأکید دارد:

- ۱- بررسی در کارکرد اجزاء اصلی یا بخش‌های سازنده
- ۲- تأکید روی مناسبات مشترک کارکردی که ارتباط خرد سیستم (سیستم فرعی)، پس خورندگی خرده سیستم و تعادل کل را بوجود آورد.
- ۳- درک یک فرهنگ در محیط آن ضرورت دارد و هر نهاد فرهنگی باید داخل چارچوب قلمروهای فرهنگی که فرهنگ بحث در آن توسعه یافته است، ارزیابی گردد. (شکویی، ۱۳۷۷: ۲۰۰)

در آثار مالینوفسکی برداشت کارکرد گرایانه بیشتر از آنچه به تنظیم موقت فرضیه‌ای درباره رابطه متقابل نهادها منجر شود متضمن قبول جزمی این نظر بود که هر جامعه‌ای از نوعی پیوستگی کارکردی برخوردار است. طبق این نظر هر فعالیت اجتماعی به موجب وجودش کارکردی داشت و هر فعالیتی چنان با فعالیتی چنان با فعالیتی‌های دیگر پیوستگی یافته بود که هیچ پدیده‌ای به تنهایی و بیرون از متن کلی جامعه مفهوم نبوده، و نظر مذکور بدین معنی بود که به دست دادن تبیینی از تغییرات اجتماعی یک جامعه دیگر به یاری تأثیرات خارجی اگر محال نباشد، امری دشوار است. (باتومور، ۱۳۵۱: ۵۳ و ۵۴)

با ارزش‌ترین جنبه برداشت کارکرد گرایانه تأکید و توضیح هر چه بیشتر این نظر ساده است که در جامعه خاص فعالیت‌های مختلف اجتماعی

و سازمان می‌یابد (دولفوس، ۱۳۷۰:۳۷) و این نظام همانطور که بیان شد کارکرد را به دنبال دارد. این فضا همچون یک ارگانیکسم زنده پدید می‌آید و در پی رشد و توسعه خود است. (پوراحمد، ۱۳۷۶:۴) تفکرات کارکردی در جغرافیا بر کارکردها و خرده سیستم‌ها (سیستم‌های فرعی) در کل سیستم‌های جغرافیایی تأثیر دارد. این سیستم دارای خواص زیر است:

۱- عملکرد هر عضو و نحوه تأثیر در خصالت‌ها و عملکرد و کل مجموعه

۲- خواص یا عملکرد هر عضو و نحوه تأثیر گذاشتن بر کل، با خواص و عملکرد حداقل یک عضو دیگر آن مجموعه، پیوند و بستگی دارد.

۳- هر گروه فرعی عناصر در مجموعه، دارای دو خاصیت اول می‌باشد که از هیچ یک از عناصر و یا بخش‌های فرعی آن ساخته نیست. سیستم چیزی بالاتر از مجموع اجزای خود است. (شکویی، ۱۳۷۷:۱۹۸)

دیدگاه اصلی کارکردگرایان به سوی تعادل میان اجزاء سیستم جامعه و نیروهای تأثیرگذار بر آن است. (Ogunbameru, 2005:1) انسان‌گرایی به تعادل^(۱۷)، انسجام^(۱۸) و ثبات^(۱۹) سیستم اجتماعی دارند و از کل زندگی یک تصویر بزرگ^(۲۰) می‌سازند و از دیدگاه آنان می‌توان برای تحلیل جنبه‌های متعدد تعامل انسان - محیط استفاده کرد. کارکردگرایان از طریق پیوندهای درونی اجزاء متعدد اکوسیستم به بررسی زیست محیط می‌پردازند. (Fafa, 1989:658-60) آنان بر این عقیده‌اند که اکوسیستم میل به تعادل دارد یعنی اجزاء آن یک تعادل نسبی را بین خود برقرار می‌کنند و تأکید دارند که حیات بشری بستگی به تعادل بین اجزاء زنده و غیرزنده زیست کره دارد. (Hughes, 1999:425) اعتقاد به ارتباط اجزاء در یک اکوسیستم که یکی از اصول بنیادی در علم جغرافیاست ارتباط کارکردگرایی را با این علم روشن می‌سازد.

بنابراین منطق، نظر به ارگانیک بودن علم جغرافیا به عنوان یک نظام علمی، توجه به ساختارهای فضایی و کارکردی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و از آغاز در جغرافیا مورد توجه بوده است. ویژگی‌های کارکردگرایی به سبب نقش آن در فلسفه علل غایی از ابتدا رایج و فلسفه‌های مبتنی بر علل غایی در تاریخ تکوین علوم بسیار مهم بوده است. (Harvey, 1971:439)

کارکردگرایی ساختاری

بسیاری بر این باورند که کارکردگرایی ساختاری بر نظریه جامعه‌شناسی مسلط بوده است. ریتز می‌گوید که این نظریه «بی‌گمان تنها و مهمترین» نظریه در علوم اجتماعی بوده است. (ریتز، ۱۳۷۴:۱۱۹)

هرگاه میان عناصر و اجزای یک مجموعه روابط نسبتاً ثابت و تقریباً پایداری برقرار باشد ساختار تشکیل می‌گردد. یعنی از ترکیب عناصر و اجزا شکل گرفته است. این اجزا در جامعه عبارتند از: نهادها، گروه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی. (ستوده و کمالی، ۱۳۸۳:۵۱ و ۵۲)

در علوم اجتماعی واژه ساختار در دو دسته آثار عمده دیده می‌شود: کارکردگرایی که در اغلب برداشتهای معاصر آن را کارکردگرایی -

که تکنولوژی سطح پایینی دارند نیازهای جدید و تعادل‌های اکولوژیکی جدید به وجود می‌آورد و یا ورود یک اسلحه گرم میان روستاییان یک منطقه ممکن است به تعادل‌های اکولوژیکی میان روستاییان و حیوانات موجود منطقه آسیب رساند و این تعادل‌ها را برهم بزند. همچنین ممکن است غربی کردن شتاب زده یک جامعه در همه شئون یک کشور به عدم تعادل‌ها منجر گردد.

۳- **هدف‌ها:** هدف‌ها در چارچوب یک فضای جغرافیایی مطالعه می‌شود.

۴- **نگهداری وضع موجود، تعادل و خود تنظیمی:** این مفاهیم کانون اصلی مطالعات جغرافیایی و جهت بررسی سلسله عملیات داخلی سیستم‌های انسانی است، در این مرحله عملکردهایی که وضع موجود را تضعیف یا تخریب می‌کند مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۵- **سازگاری و تطابق:** در این مرحله هماهنگی و سازگاری موجود زنده با محیط بررسی می‌شود.

۶- **وابستگی عناصر در یک مجموعه:** در همه مباحث کارکردی، وابستگی عناصر در یک مجموعه، مفهوم اصلی کارکردی را می‌رساند و به موارد زیر تأکید دارد.

الف: یک وضع موجود برای مدت طولانی

ب: یک گروه از هدف‌ها و هنجارها

ج: یک فضای زندگی تحت اشغال یک گروه

د: اثرات متقابل خرده سیستم‌های داخلی

ه: متحرک

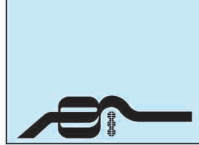
از جمله ویژگی‌های سیستم، ساخت و کارکرد آن است که در علوم مبتنی بر روش‌های سیستمی مورد توجه قرار می‌گیرد. (پوراحمد، ۱۳۷۶:۱۱) جغرافیادانان همزمان با انقلاب کمی شروع به تمیز بین اعتقادات اساسی فلسفی خود و به کارگیری روش‌هایی که منطبق با آن‌ها بود کردند.

استودارت در رابطه با مکتب کارکردگرایی خاطر نشان ساخت که موضوع قیاس‌های ارگانیک زمانی در زیست‌شناسی و فلسفه بسط بسیار خوبی داشتند، اما مدت بسیار مدیدی است که در آن جا کنار گذاشته شده است. (Stodart, 1966:683)

هاروی نیز فلسفه کارکردگرایی را رد نمود. با این اعتقاد که «حمله به مکتب کارکردگرایی به عنوان یک فلسفه به معنای حمله به آن به عنوان یک روش‌شناسی نیست. (جنسن، ۱۳۷۶:۱۵۸) پارسونز داشتن یک چارچوب کارکردگرایی برای علوم انسانی را مفید می‌داند. (گی‌روشه، ۱۳۷۶:۲۴۰) همواره همراه با یک نظام و مطرح شدن آن مفهوم کارکرد نیز به دنبال آن است، مفهوم کارکرد راه دوگانه‌ای را در جغرافیا می‌گشاید.

در وهله اول امکان می‌دهد ساخت‌هایی را که یک نظام از آن‌ها تشکیل شده است و روابطی را که میانشان وجود دارد تمیز داد. در وهله دوم روابطی را که میان نظام و محیطش وجود دارد شناسایی کرد.

هر واحد که به لحاظ نقش و به حیث سیمای ظاهری در فضای جغرافیایی دارای هویت بوده و محل وقوع آن‌ها در فضا معین باشد یک ساخت به حساب می‌آید. هر ساخت توسط یک نظام (سیستم) اداره می‌شود



زندگی اجتماعی متناسب، با اهدافی که نیروهای مسلط در سازماندهی اجتماعی مدنظر دارند، می‌باشند. از این رو هر جامعه‌ای استخوان‌بندی و الگوی نظام شهری خود را سازمان می‌دهد.

سازماندهی شهرها در فضا در طول تاریخ از نیروهای اجتماعی مسلط گوناگونی متأثر بوده است.

به گفته لوفر تاریخ شهرنشینی از زاویه نیروهایی که بر آن مسلط بوده و فرمان داده از سه مرحله گذر کرده است: شهرسیاسی، شهرتجاری و شهرصنعتی. (لوفر، به نقل از هاروی، همان منبع، ۲۸۰)

هوزلیتس برای توصیف کارکردی شهرها از اصطلاحات ساده بهره گرفت و شهرها را به دو گروه مولد و انگلی تقسیم کرد. شهر مولد از نظر او شهری است که رشد اقتصادی را در حوزه خود برمی‌انگیزد در حالی که شهر انگلی مازاد را از حوزه نفوذ پیرامون شهر استخراج می‌کند و آن را به سطح بالای نظام انتقال می‌دهد (R.B.Potter به نقل از عظیمی ۱۳۸۱، ۱۳۸). بنابراین اگر یک نظام شهری بتواند به گونه‌ای سازمان یابد که شهرهای آن شهرهای مولدی باشند که ابتکار و نوآوری را به حوزه نفوذ خود انتشار دهند و محرکی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و انباشت سرمایه بومی گردند، نظام شهری به کارکردی مطلوب دست خواهد یافت. (عظیمی، ۱۳۸۱، ۱۳۸)

کارکردگرایی نظریه‌ای پایه‌ای در طرح‌های جامع

از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مجموعه‌ای از نظرات و رویکردها در عرصه توسعه و عمران شهری در اروپا و آمریکا مطرح شد که از برآیند آن‌ها دانش برنامه‌ریزی به وجود آمد و از میان متفکران برنامه‌ریزی از پاتریک گدس معمولاً به عنوان پایه‌گذار و نظریه‌پرداز اصلی برنامه‌ریزی شهری یاد می‌گردد. او و شاگرد نام‌آورش لوئیز مامفورد که هر دو در اصل از زیست‌شناسی، «نظریه ارگانیستی» را در شهرسازی مطرح ساختند که براساس آن «الگوی طرح‌های جامع» به وجود آمد و در انگلستان و آمریکا جنبه رسمی و قانونی پیدا کرد. نظرات «گدس» با نظریه «کارکردگرایی» شهرسازی مدرن (مشهوراً، ۱۹۳۳) درهم آمیخت و در سراسر جهان به صورت طرح‌های جامع شهری به کار گرفته شد. در واقع نظرات گدس و اصول طرح‌های جامع بیش از نیم قرن بر تفکر شهرسازی علمی جهان حاکم بود و تا حدود دهه ۱۹۶۰ در خاستگاه خود دوام آورد. (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۷۵)

اصول شهرسازی کارکردی در نخستین بیانیه «کنگره بین‌المللی معماری نوین»^(۲۱) سیام (C.I.A.M) در سال ۱۹۲۸ مطرح شد که فرم تابع عملکرد گردد. در همان زمان طرح‌های جامع شهری با توجه به نگرش کارکردگرایی و شهرسازی مدرنیستی شکل گرفت و در سراسر جهان رواج پیدا کرد. نخستین طرح جامع شهری براساس منشور آتن، در سال ۱۹۳۴ برای شهر ورشو تهیه شد. (شعاعی، ۱۳۸۴: ۱۵۸)

براساس این دیدگاه کارکردگرایی، شهر دارای چهار کارکرد اصلی شامل سکونت، کار، عبور و مرور و گذران اوقات فراغت است. وظیفه اصلی

ساختاری می‌نامند، و سنت فکری که مفهوم ساختار را برجسته می‌سازد. ساختار عمدتاً در پیوند با کارکرد ظاهر می‌شود.

اساس مفهوم در تحلیل کارکردی مفهوم نظام و منابع و اجزا متشکل آن است. از این به بعد کارکردگرها مکتب خود را ساخت کارکردی نامیدند (پوراحمد، ۱۳۷۶: ۱۰) و این مفهوم بیشتر به ارتباط متداخل موقعیت‌ها و نقش‌ها توجه دارد. بنابراین در تحلیل هر نظام (اجتماعی، محیطی و فضایی و...) باید از ساخت و کارکردهای آن سخن گفت. چه هر نظامی مجموعه‌ای به هم پیوسته از اجزا است که از یک تعادل و توازن برخوردار است. ساخت هر نظام دارای اجزایی است و هر یک از اجزاء دارای فعالیت‌ها یا کارکردهایی هستند. بنابراین دارای آثار و نتایجی هستند که می‌توان آن را به چند اعتبار تجزیه و تحلیل کرد (شرف، ۱۳۵۳: ۲۵). در نظر پارسونز نظام اجتماعی دارای مفهوم وسیع‌تری از ساخت کارکردی نیز می‌شود. وی معتقد است که واقعیت اجتماعی یک جریان پویاست و محقق برای شناخت و توصیف آن باید قسمت‌های مختلف را که مجموعاً ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند با هم ترکیب کند. (پوراحمد، ۱۳۷۶: ۱۰)

کارکردگرایی ساختاری به دلیل عدم توجه به تاریخ، ایستانگری بیشتر، گرایش به روابط هماهنگ، تأکید بیش از حد به فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، عدم ارایه تعریف دقیق برای مفاهیم، هدف‌های نامشخص، و تکرار واژه‌ها در ساختارها مورد انتقاد قرار گرفت. (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۴۸۳ و ۴۸۴)

کارکردهای نظام شهری

شهرها به اعتبار گفته رابرت پارک کارگاه تمدن بشر بوده‌اند و در این کارگاه بوده که انسان توانسته با تلاش مستمر خود به تولید ابزار و افکار نوین دست یافته و دائماً آن را باز تولید کند. باز تولید گسترده و نه ساده، با این حال شهرها پدیده‌های اجتماعی مجردی از شکل‌بندی اقتصادی و اجتماعی نیستند. از این رو بررسی کارکرد آن‌ها لزوماً در چارچوب و ظرف ساخت اجتماعی - اقتصادی و شیوه سازماندهی تولید و باز تولید اجتماعی میسر است. (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۳۵) به همین سبب شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای عام نباید به صورت تاریخ شهرهای خاص در نظر گرفته شود بلکه باید آن را به عنوان تاریخ نظامی از شهرها مورد بررسی قرار داد. (هاروی، ۱۳۷۶: ۳۰۴)

بنابراین از جمله اهداف بررسی جغرافیایی شهر مطالعه ساختار ناشی از کارکردهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و... در فضای شهر به عنوان یک مرکز خدماتی است.

طرح کامل این طرز تفکر به وسیله جغرافیدانان مشهور آلمانی والتر کریستالر در سال ۱۹۳۰ با عنوان تئوری مکان مرکزی بیان شده است. (پوراحمد، ۱۳۷۶: ۲۳) ماکس وبر در سال ۱۹۲۰ در کتاب خود اقتصاد و جامعه بر کارکردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی شهر و سازمان فضایی خاص آنها تأکید داشت. او بر سه کارکرد بنیادی شهر کارکرد امور معنوی و دنیوی و کارکرد اقتصاد غیرکشاورزی توجه عمیق مبذول داشت (مشیری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

هدف محوری کارکرد نظام‌های شهری، سازمان دادن تولید و باز تولید

نتیجه گیری

شاید تا کنون در مورد هیچ نظریه‌ای مانند کارکردگرایی اختلاف نظر و مشاجره بروز نکرده باشد، به نحوی که گروهی آنرا به طور کلی مردود دانسته و برخی صاحب نظران از آن به عنوان نظریه‌ای جامع نام برده‌اند. علی‌رغم این همه اختلاف آراء کارکردگرایی به عنوان نظریه‌ای جا افتاده در جامعه‌شناسی قرن بیستم، به حیات خود ادامه داد و رسمیت یافت. این نظریه اگرچه از زیست‌شناسی وام گرفته شد اما در علوم انسانی به صورت گسترده کارایی یافت.

با این وجود همانگونه که بیان شد، این نظریه از نظر روش کار در مباحث جغرافیایی اهمیت ویژه یافته به طوری که به عنوان یکی از سه نوع تحلیل کاربردی در این علم به شمار می‌آید و در تحقیقات جغرافیایی جایگاه در خور توجه یافته است.

این دیدگاه در برنامه‌ریزی شهری بعد از شکل‌گیری منشور آتن و رواج طرح‌های جامع (۱۹۶۰-۱۹۲۰) اهمیت ویژه‌ای یافت اما با طرح این دیدگاه و تسلط آن بر روند شهرسازی، روش‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری بیش از حد به سمت معیارهای اقتصادی هزینه و منفعت، معیارهای فنی و مهندسی و معیارهای کمی و کالبدی سوق پیدا کرد. در نتیجه معیارهای کیفی مانند ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، ویژگی‌های اجتماعی و اصول زیباشناختی تا حدود زیادی در شهرسازی به فراموشی سپرده شد. با توجه به این‌گونه مشکلات از دهه ۱۹۶۰ به بعد رویکرد سیستمی در برنامه‌ریزی رواج یافت که از نظر این نگرش، شهر فقط یک سیستم کالبدی یا طبیعی نیست بلکه بستر زندگی انسانهاست، بنابراین مکانی برای تحقق آرمان‌ها، بروز خلاقیت و جستجوی سعادت و رضایت محسوب می‌شود. از این نظر برنامه‌ریزی شهری، می‌باید فراتر از اهداف کالبدی و فنی به خواست‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم پاسخ گوید. این امر ضرورتاً برنامه‌ریزی شهری را با عرصه‌های دیگر مثل کیفیت محیط، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندان و غیره مرتبط می‌سازد و بنابراین باید امکانات و روش‌های لازم برای حصول به آن‌ها در نظر گرفته شود.

منابع و مآخذ

- ۱- اشرف، احمد (۱۳۵۳) *تئوریکسینوالیسم*، (نامه علوم اجتماعی) دوره اول، شماره ۴.
- ۲- آراسته‌خو، احمد (۱۳۸۱) *تقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی*، تهران، انتشارات چاپخش.
- ۳- آریله‌هولت، جنسن، (۱۳۷۶) *جغرافیا تاریخ و مفاهیم* (مکاتب، فلسفه، مفاهیم) ترجمه جلال تبریزی، انتشارات سیروس‌سیاحت، ویرایش دوم، چاپ اول.
- ۴- آقابخشی، علی و همکاران (۱۳۷۴)، *فرهنگ علوم سیاسی*، مرکز اطلاعات علمی ایران.
- ۵- بهروز، فاطمه، (۱۳۷۸) *فلسفه و روش‌شناسی تحقیق در جغرافیا*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۶- پاپلی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی، (۱۳۸۱) *نظریه‌های توسعه روستایی*، تهران، انتشارات سمت.

شهرسازی سازمان دادن به این چهار کارکرد است. بنابراین اهداف اصلی شهرسازی معطوف به تسهیل کارکردهای شهری و تقویت کارایی شهر با توجه به این کارکردهاست به طوری که در دومین کنگره سیام ۱۹۲۹ موضوع تأمین مسکن حداقل و در کنگره سوم ۱۹۳۰ موضوع روش‌های منطقی استقرار بناها در دستور کار قرار گرفت و کنگره چهارم در سال ۱۹۳۱ معروف به کنگره آتن با عنوان منشور آتن تدوین شد و بحث اساسی آن، ایجاد ارتباط منطقی میان شکل و کارکرد فضاهای شهری بود. (منشور آتن^(۲۲)، به نقل از شمعی، ۱۳۸۴: ۱۵۸)

به طور کلی برنامه‌ریزی شهری تحت‌تأثیر این دیدگاه به ابزاری برای هدایت و نظارت بر رشد و توسعه کالبدی - فیزیکی شهرها تبدیل شد. در این راستا براساس اصول هزینه - سود نحوه کاربری زمین‌ها و بهره‌گیری از زمین‌های شهری نیز به عنوان ابزاری در جهت تسهیل کارکردهای شهری و تقویت کارایی شهری اقدام به بهسازی و نوسازی شهری می‌کند و با شناسایی و طبقه‌بندی نیازهای شهروندان و تأمین حداقل یا حد متوسط زمین لازم برای هر نفر می‌توان نحوه توزیع زمین‌های شهری و چگونگی استفاده از آن‌ها را تحت نظمی منطقی و نظارتی آگاهانه درآورد.

این نگرش از دهه ۱۹۶۰-۱۹۲۰ بر برنامه‌ریزی شهری مسلط بود اما چون الگوی طرح‌های جامع بر مبنای نظری اثبات‌گرایی، کارکردگرایی، و مطلق‌گرایی استوار بود دارای محدودیت‌هایی بود که نتوانست شناخت درستی از شهر و راه‌های اصلاح آن نشان دهد. این مشکلات نظری عبارتند از:

- عدم توجه کافی به ماهیت پیچیده و پویای شهر و مشکلات آینده‌نگری برای آن؛
- تقلیل برنامه‌ریزی جامع به برنامه‌ریزی کالبدی و عدم توجه به طراحی شهری؛
- عدم توجه کافی به روندهای تصمیم‌سازی و تعیین اهداف‌ها و سیاست‌ها؛
- عدم توجه کافی به اهرم‌های لازم برای نظارت و هدایت توسعه شهری؛
- عدم توجه کافی به اهداف کیفی، عدالت اجتماعی و ارزش‌های بومی (مهدی‌زاده و دیگران ۱۳۸۳: ۷۸)

در این راستا و با توجه به مشکلات و نارسایی این طرح‌ها در برنامه‌ریزی شهری و سوق دادن روند برنامه‌ریزی به سوی گرایشی صرفاً کالبدی و در نظر نگرفتن شهر به عنوان سیستمی پویا، این نظریه اعتبار خود را در روند برنامه‌ریزی از دست داده و از ۱۹۶۰ به بعد با طرح رویکرد سیستمی در برنامه‌ریزی، نظریه کارکردگرایی به عنوان یکی از عناصر اصلی در این رویکرد، جایگزین دیدگاه کارکردگرایی گردید و از آن به بعد طرح‌های جامع شهری منسوخ شد. اگرچه استفاده از این گونه طرح‌ها در کشور ما رواج دارد اما باید بر این امر اعتراف کرد که این دیدگاه در برنامه‌ریزی شهری از عوامل مهمی چون مشارکت شهروندی، عدالت اجتماعی، ارزش‌های بومی، طراحی شهری، پویایی شهری غفلت کرده است.



28- Hughes, M., C.J. Kroeckler, and J.W. Vander Zanden, (1999), *Sociology: The Core*. 5th Ed. New York: McGraw-Hill College.

29- Gould, Julius and William L. Kolb (1985), "A Dictionary of the Social Sciences" Tavistock Publications Britain.

30- Ogunbameru, O.A. (2005) *Human-Environment Interactions: The Sociological Perspectives* Obafemi Awolowo University, Ile-Ife, Nigeria.

31- Parsons Talcot, "STRUCTURAL FUNCTIONALISM" New York: free press, 1968.

پی نوشت

1- A.K. Davis
 2- O.K. Morre
 3- Robert Merton
 4- Marian, J. Levy
 5- Talcot Parsons
 6- William White
 7- Function, functionalism
 8- Office
 9- Faire
 10- Use
 11- Purpose
 12- Motive
 13- Intention
 14- Aim
 15- Need
 16- Consequences
 17- Equilibrium
 18- Integration
 19- Stability
 20- Big Picture
 21- (S.I.A.M) Congress International of Modern Architecture

۲۲- جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به: فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۲)، منشور آتن (چهارمین کنگره معماری مدرن)، نشر فضا.

۷- پورا احمد، احمد (۱۳۷۶) جغرافیای کارکردهای بازار کرمان، انتشارات کرمان شناسی.

۸- توسلی، غلام عباس، (۱۳۷۰) نظریه‌های جامعه‌شناختی، انتشارات سمت.

۹- تی، بی، باتومور، (۱۳۵۱) جامعه‌شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلجاهی، انتشارات جامعه و اقتصاد، تهران، چاپ دوم.

۱۰- جولوس گولد، ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶) ترجمه باقر ساروخانی و دیگران، فرهنگ علوم اجتماعی، انتشارات مازیار.

۱۱- حانری، مندراس، (۱۳۴۹) مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران.

۱۲- دلفوس، اولویه (۱۳۷۰)، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا.

۱۳- ریتز، جورج (۱۳۷۹) نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات نی.

۱۴- ستوده، هدایت‌الله و کمالی ایرج (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی یا تأکید بر کارکردگرایی و...، تهران، انتشارات ندای آریانا.

۱۵- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۹) دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، چاپ اول.

۱۶- شکویی، حسین (۱۳۷۷) جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.

۱۷- شماعی، علی و پورا احمد، احمد (۱۳۸۴) بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۱۸- طیبی، حشمت‌الله، (۱۳۵۸) تونکسیونالیسم در شناخت طبقات اجتماعی ایران قدیم، هشتمین کنگره تحقیقاتی ایرانی، بکوشش محمد روشن، فرهنگستان ادب و هنر ایران.

۱۹- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱)، پوشش شهرنشینی و مبانی نظام شهری، مشهد، نشر نیکا.

۲۰- گی روشه، (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی میثاق.

۲۱- مشیری، سید رحیم و دیگران (۱۳۸۳) ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی بخش خورگام شهرستان رودبار)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، مؤسسه جغرافیا، زمستان ۸۳.

۲۲- منوچهری، محسن (۱۳۶۸) جامعه‌شناسی عمومی، کتابخانه طهوری، تهران چاپ نهم.

۲۳- مهدی‌زاده، جواد و دیگران (۱۳۸۲) برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجارب اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران) انتشارات حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول.

۲۴- هاروی، دیوید (۱۳۷۶) عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

۲۵- نصر، احمد (۱۳۵۹) نظریه تفکران اسلامی درباره طبیعت، چاپ سوم، انتشارات خوارزمی.

26- Faia, M.A. (1989), "Cultural Materialism in the Functionalist Mode". *American Sociological Review*, 54.

27- Hofdding, Harold (1993), *History mpdern Philosophe trane*, by B.C. Meyer; M, Y, Macmillan.